

صحیح و عم (۲۷)



۹۲ / ۲ / ۷

جلسه ۹۶

صحیح و اعم

شنبه

سال سوم

پیشخوان

مبنای چهارم :

مبنای پنجم : **الوضع كوضع الاوزان**

مبنای ششم: **مبنای محقق اصفهانی**

مبنای هفتم: **مبنای امام خمینی**



جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

امر دوم:

مبنای اول: مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی

مبنای دوم: مبنای مشهور

مبنای سوم: ال وضع کوضعها للاعلام الشخصية

مبنای چهارم:



تبیین مبنای چهارم توسط مرحوم آخوند

موضوع له لفظ صلوة، ابتدا نماز صحیح تام الاجزاء و الشرائط است

ولی عرف **تسامح** کرده و این الفاظ را بر فاقد بعض اجزاء و شرائط هم اطلاق می کند

این استعمال، بنا بر مذهب **سکاکی**، استعمال در **فرد ادعایی** است [و بنا بر مشی مشهور، مجاز است]

استعمال در فاقد، به وضع تعینی حقیقی است

اما این وضع تعینی - چون فاقد شبیه واجد است و یا چون اثری که در واجد است در فاقد هم هست - محتاج به کثرت استعمال نیست.

این نوع وضع در معجون ها واقع است

مرحوم آخوند

شباهت این قول با قول مرحوم نائینی

ابتدای این قول مشابه با قول مرحوم نائینی است که می فرمود:
«موضوع له مرتبه علیا از صلوة است و اطلاق آن بر مراتب دیگر، استعمال مجازی است»

جامع به نحو جامع ادعایی تصویر شده است

در قسمت اول

این قول :

ما می گوئیم

اگر بگویند: لفظ ابتداءً برای صحیح وضع شده و بعد در فاسد هم وضع علی حده دارد :

در این صورت: لاجرم به اشتراک لفظی می رسیم و بین دو معنی که مشترک لفظی هستند، جامعی تصویر نمی شود

در قسمت دوم

این قول :

اگر بگویند: لفظ ابتداءً برای صحیح وضع شده و بعد در «اعم» وضع تعینی یافته است در حالیکه وضع اولیه هم مهجور

شده است.

در این صورت: موضوع له، اعم است، می گوئیم: این جامع چیست؟

اشکال مرحوم آخوند بر مبنای چهارم

این نوع وضع در اسامی معجون ها و مرکبات خارجی که موضوع له در آنها مرکب مخصوصی و معینی است، قابل قبول است

در مثل صلوة، یک مرتبه نداریم که همیشه صحیح باشد و لفظ صلوة ابتداءً برای آن وضع شده باشد،
چراکه هر مرتبه ای که در نظر بگیریم همیشه مرتبه صحیح تام الاجزاء نیست

ما می گوئیم

مدعای این قول: آن بود که موضوع له صلوة ابتداءً صلوة صحیح تام الاجزاء بود، اشکال مرحوم آخوند وارد است

اما اگر مدعا را چنین تغییر بدهیم:

مرحله اول: صلوة ابتداءً وضع شده است برای نمازهای ۲ رکعتی (اعم از اینکه صحیح باشد یا فاسد)

مرحله دوم: بعد به نمازهای دیگر مجازاً صلوة گفته شده (به سبب مشابهت یا به سبب اثر مشترک)

مرحله سوم: بعدها نیز به وضع تعینی (یا پیدایش حقیقت تعینی) لفظ صلوة در آنها هم حقیقت شده است.

ضمن آنکه می توان گفت نماز قصر مرتبه نازل نماز کامل است چراکه سفر از نگاه عرف، فرع حضر است

ما می گوئیم

این قول، از اشکال های پیش گفته مبری است.

ولی لازمه اش، پذیرش اشتراک لفظی در لفظ صلوة، بین نمازهای مختلف است

مشکل اصلی: در متفاهم عرفی، صلوة عبارت است از یک لفظ با معنای کلی که نمازهای مختلف مصادیق آن به حساب می آیند.

به عبارت دیگر: در متفاهم عرفی، **صلوة مشترک لفظی نیست.**

حال: اگر هم در آغاز کار، اطلاق صلوة بر نمازهای مختلف به صورت اشتراک لفظی بوده باشد ولی بعدها عرف از آن واژه های مشترک لفظی،

یک جامعی را اخذ کرده و همان را به عنوان کلی قرار داده است

جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

مبنای اول: مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی

مبنای دوم: مبنای مشهور

مبنای سوم: الوضع کوضعها للاعلام الشخصية

مبنای چهارم:

مبنای پنجم: همانند وضع مقادیر و اوزان

امر دوم:

تبيين مرحوم آخوند از مبنای پنجم

وضع صلوة مثل وضع مقادير و اوزان است

يا بگوئيم : در مورد مثقال - مثلاً - واضح وقتی می خواهد لفظ را برای معنا قرار دهد، معنای لحاظ شده عبارت است از «مقداری خاص» [۵] گرم] ولی لفظ برای برای اعم از آن و از زائد بر آن و ناقص از آن وضع کرده است

يا بگوئيم : ابتداءً برای مقداری خاص وضع شده است ولی بعد به سبب استعمال در زائد و ناقص، حقیقت تعیني در اعم [۵ + ۱] شده است

مرحوم آخوند

تفاوت مبنای چهارم و مبنای پنجم

تفاوت اول:

در قول چهارم: وضع تعین ناشی از انس بود

در قول پنجم: وضع تعینی ناشی از کثرت استعمال

تفاوت دوم:

در قول چهارم: اشتراک لفظی بین تام و ناقص پدید می آمد

در قول پنجم: معنای اوّل مهجور شده و تنها یک معنی - اعم - باقی می ماند. و بر فرض مهجوریت نیز مورد اشاره نباشد، در قول پنجم اشتراک لفظی بین «مقدار خاص و اعم» است (و نه بین مقدار خاص و مقدارهای دیگر)

تفاوت سوم:

در قول چهارم: موضوع له فرد تام است

در قول پنجم: اگرچه ابتداءً مقدار مخصوص تصور شده ولی در مرحله بعد «اعم» تصور شده و برای همان وضع صورت گرفته است

اشکال مرحوم آخوند بر مبنای پنجم

مرحوم آخوند

در صلوة، یک نمازی نداریم که **همیشه صحیح** باشد و بعد زیادت و نقصان بیاید

اوزان و مقادیر هم وضع شده اند برای همان مقدار دقیق

و اگر مسامحه می شود در اشیاء بی ارزش است و آن هم مجاز است

ما می گوئیم

جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

مبنای اول: مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی

مبنای دوم: مبنای مشهور

مبنای سوم: ال وضع کوضعها للاعلام الشخصية

مبنای چهارم:

مبنای پنجم: همانند وضع مقادیر و اوزان

مبنای ششم: مبنای محقق اصفهانی

امر دوم:



تبيين مبناي ششم توسط مرحوم اصفهاني

اگر لفظ صلوة وضع شده باشد برای **عملی مبهم که از همه جهات مبهم است** و تنها جهتی که در آن مبهم نیست، **فعلیت نهی عن الفحشا بودن** است

احتمال اول

حکم این صورت: موضوع له صلوة، صرفاً شامل نمازهای صحیح می شود.
چراکه: این حیثیت ناهی بودن **حیثیت تقییدیه نیست** یعنی جزء موضوع له نیست بلکه صرفاً معرف آن عمل مبهم است،

محقق
اصفهانی

اگر مراد از «ناهی از فحشا بودن»، نهی بالفعل از فحشا نیست بلکه **نهی اقتضایی** است

احتمال دوم

حکم این صورت: موضوع له صلوة شامل نمازهای فاسد و نمازهای صحیح می شود.
چراکه: هر مرتبه ای از مراتب نماز (مثل نماز بی وضو) اقتضای نهی دارد ولی فعلیت آن موقوف است به اینکه آدمی که آب ندارد، آن را به جای آورد

در بحث جامع صحیحی گفته بودیم از دیدگاه **مرحوم اصفهانی** موضوع له برای واضع هم **مبهم** است و آنجا با **پذیرش سخن مرحوم آخوند** گفتیم باید موضوع له برای واضع **روشن** باشد

**تکمله کلام
مرحوم اصفهانی**

ما می گوئیم
(۱)

استدراک: می توان قول اصفهانی را نیز در آن بحث پذیرفت

یعنی اگر چیزی مبهم بود (چه واضع آن را بشناسد و چه شناسد) می تواند موضوع له لفظ قرار گیرد در حالیکه با برخی از **آثارش شناخته می شود.**

این سخن جامع افراد نیست

نمازهای پنج رکعتی و نماز بی قصد قربت و ... در هیچ حالتی نمازی نیست که اقتضای نهی داشته باشد

پس: جامعی که ایشان تصویر کردند، شامل نمازهای فاسد نمی شود

ان قلت: مراد ایشان را توسعه دهیم و بگوییم:

یعنی همه نمازهای اقتضای نهی از فحشا دارند ولی مانع (مثلاً زیادت) مانع از فعلیت می شود

قلت: در این صورت اگر کسی تنها «تشهد و قیام» را آورد این عمل اقتضای نهی از فساد دارد

ولی قطعاً این عمل را عرف «صلوة» (و لو فاسد) نمی داند.

پس: با این بیان، جامع مانع اغیار نمی شود

رابطه اقتضا و فعلیت، رابطه قوه و فعل است و این رابطه، **تضاد** و یا **عدم و ملکه** است = لذا چنین نیست که اقتضا شامل فعلیت شود.

پس: نمازهای صحیح، اقتضای صحت را ندارند بلکه فعلیت آن را دارند.

و لذا اگر گفتیم در جامع «اقتضای نهی» را ملحوظ می کنیم، لاجرم صلوة های صحیح را از تحت جامع خارج کرده ایم



جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

مبنای اول: مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی

مبنای دوم: مبنای مشهور

مبنای سوم: الوضع کوضعها للاعلام الشخصية

مبنای چهارم:

مبنای پنجم: همانند وضع مقادیر و اوزان

مبنای ششم: مبنای محقق اصفهانی

مبنای هفتم: مبنای امام خمینی

امر دوم:



تبیین مبنای هفتم توسط مرحوم امام

قسم اول: کثرت در آنها لحاظ شده است مثل «عشره» و «مجموع».

حکم این صورت: اگر یک جزء نباشد، بر ما بقی عشره یا مجموع صدق نمی کند

قسم دوم: مرکباتی که کثرت در وحدت فانی است و اصلاً لحاظ نمی شود

حکم این صورت: شیئیت مرکب اعتباری به **صورت و هیأت** است و ماده هیچ دخالتی ندارد
در این نوع، قوام ماده به هیأت است (و ماده با هیأت متحد است) ولی در عین حال اختلاف ماده ها ضرری به
شیئیت مرکب نمی زند
در این نوع ماده، **لا بشرط مقسمی** لحاظ شده است

اقسام مرکب
اعتباری

حضرت امام